

ناجی درخت نیمه مرده!

بسم الله الرحمن الرحیم

ناجی درخت نیم مرده!

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ۵
ناجی درخت نیم مرده! ۶
مشخصات کتاب ۶
ناجی درخت نیم مرده! ۶
پاورقی ۹
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۹

ناجی درخت نیم مرده!

مشخصات کتاب

بر گرفته از:

سایت بهائی پژوهی

ناجی درخت نیم مرده!

اعتقادهای ویژه در آئین بهائی (تازه ترین دین جهانی) داستان های شگفتی دارد بویژه که ناقل آن سفیر اسرائیل باشد. یکی از این اعتقادات داستان درخت نیم مرده است که با کمک کارشناسان اسرائیلی دوباره زنده شده و حیات دوباره ای یافت! مئیر عزری سفیر اسرائیل در ایران که دوست صمیمی سر لشکر ایادی پزشک بهائی محمدرضا شاه (پهلوی دوم) که مقتدرترین فرد در حکومت شاه شمرده می شد به شرح این ماجرا پرداخته است... یکی دیگر از سرشناسان کیش بهائی، سرلشکر دکتر ایادی، پزشک ویژه شاه بود. ایادی افسری خوش نام بود و به چشم و گوش شاه می مانست. او بهداری ارتش و بیمارستانها، اداره خرید دارو و ابزار پزشکی برای یگانهای ارتش را سرپرستی می کرد و با همه توان به هم کیشانش یاری می داد. پروانه ورود داروهای خریداری شده از کشورهای بیگانه که باید به بازارهای ایران می رسید، در کمیته ای در وزارت بهداری، که از گروهی پزشکان و کارشناسان کار کشته برپا شده بود، ارزیابی می شد. دکتر ایادی یکی از کارشناسان این کمیته بود. روزی به دیدارش رفتم تا در زمینه برگزاری کنگره داروسازان ارتشها که باید روز بیست و پنجم آوریل ۱۹۶۰ (۵ اردیبهشت ۱۳۳۹) در تهران انجام می شد و درباره سرهنگ دوم اسرائیل ماهاریک، که فرماندهی گروه اسرائیلی را داشت با وی گفتگو کنم. گو اینکه ایادی از برخی موش دوانیهای نمایندگان کشورهای تازی در واکنش به بودن نماینده اسرائیل در کنگره آگاه بود، ولی دلاورانه و با خوشرویی سرهنگ ماهاریک را در این کنگره پذیرفت. یکی از ویژگیهایی که ایادی را نزد همه یگانه ساخته بود، وفاداری و سرسپردگی او به شاه بود. کسی باور نمی کرد او از شاه درخواستی بکند و پذیرفته نشود. شاید همین پیوند ایادی با شاه بود که هرگاه سران کشور با شاه به نکته دشواری بر می خوردند، دست به دامن ایادی می شدند و او می توانست گره گشایی کند. ایادی به یهودیان مهری ناگسستنی داشت و آنها را مردمی درد دیده و شایسته بی پیرایه ترین یاریها می دانست. افزون بر آن ارزنده ترین و والا‌ترین نیایشگاههای بهائیان در کشور اسرائیل بود و این پدیده روشن تر از آفتاب را ایادی نمی توانست نادیده بگیرد. روزی در میانه های سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۱) نخست وزیر علم در دیداری با تدی کولک، شهردار اورشلیم، در تهران پیشنهاد او را پذیرفت و مهدی شیبانی را به سرپرستی دستگاه جهانگردی کشور برگزید. همسر شیبانی دختر سناتور نمازی از دوستان نزدیک ایادی بود. در یکی از دیدارهای خانوادگی شیبانی، کنار ایادی نشسته بودم و پیرامون همکاریهای کارشناسان اسرائیلی با زمینه های سرپرستی او گفتگو می کردم. چند روز پس از همان دیدار بود که ایادی کارشناسان ما را به ایران فرا خواند و با آنها پیمان بست تا میوه، مرغ و تخم مرغ ارتش را فراهم کنند و برای ارتش مرغداری و دهکده های نمونه بسازند. و ایادی به بازرگانان و کارشناسان اسرائیلی یاری داد تا میوه ارتش ایران را فراهم آورند و برای یگانهای گوناگون مرغداری و دهکده های نمونه کشاورزی بسازند. یکی از روزهایی که سران بهایی در ایران بر آن شده بودند تا پیروانشان از نیایشگاههایشان در اسرائیل بازدید کنند، سرلشکر ایادی از من خواست، از میان بردن دشواریهای دریافت روادیدهای همگانی نه روزه برای بهائیان را بررسی کنم (یک ویزا برای نود تن دیدار کننده). شماره نه و نوزده در فرهنگ کیش بهایی نشانه ای آسمانی است. بهائیان در روش گاه شماریشان (تاریخ) ماه را نوزده روز و سال را نوزده ماه می شمارند. با دریافت روادیدهای همگانی نه تنها دیدارکنندگان هزینه کمتری می پرداختند و از رفت و آمدهای بسیاری کاسته می

شـد، که گروههای بازدیـد کننده نیز فزونی می یافت. درخواست سرلشـکر ایادی را با وزارت امور خارجه اسـرائیل در میان نهادم و روش پیشـنهادی را به آگـاهی اش رسانـدم. کمی دشـوار بود ولی چاره ای نبود. مسـئول کمیته اجرایی امور بهائیـان در ایران به هر ویزای همگـانی بایـد نـامه ای الصاق می کرد و ضـمن نامه تعهـد می نمود که مسـئولیت همه آسـیبهای احتمالی زیارت کننـده را از نخستین روزی که به اسرائیل وارد می شود تا روزی که از این کشور خارج می شود به عهده می گیرد. پس از آنکه ریزه کاریهای امنیتی و نیاز به چنین روشـی را برای چنان رویـدادهایی برای تیمسار ایادی و چنـد تن از همکیشانش روشن کردم، آن را پذیرفتند و سالهـا از همین شـیوه پیروی کردیم و هرگز به هیـچ گونه گرفتـاری برنخوردیم. در سـایه دوستی بـا ایادی، با گروهی از سرشـناسان کشور آشـنا شـدم که هرگز باور نمی کردم پیرو کیش بهایی باشـند. بسـیاری از آنها در باور خود چون سـنگ خارا بودنـد، ولی به خوبی می توانسـتند در برابر دیگران باور خود را پنهان نماینـد. آنها همه دریافته بودنـد که در برابر من نیازی به پنهان کاری ندارند. روزی ایادی مرا برای چاشت به خانه اش فرا خوانـد. می خواست از رازی شـگفت برایم سـخن بگویـد که گفت و گو در این زمینه شایسـته نشسـتهای اداری نبود. خوش و بشـهای گرم پایـان یـافت و سـرانجام بـا چهره ای افسـرده افزود: حضـرت بهـاءالله در یکی از بازدیـدهایشان از شـیراز به دست مبـارک خویش بوته نهال نارنجی در خانه محل سـکونتشان کاشـته انـد که تا دوسال پیش درخت سرسبزی بود. ولی شوربختانه از چندی پیش به این طرف درخت بیمار شده و به تدریج برگهایش می خشکد. شنیدیم که ژاپنیها در شناسـایی درختهای مرکبات بویژه نارنـج بهترین کارشـناسان دنیا هسـتند، که دو نفر از بهترین کارشـناسان ژاپنی آمدنـد و چهار ماه درخت را معـاینه کردنـد و نتوانسـتند راه حلی برایش پیـدا کننـد. هیـچ کس نمی توانـد بفهمـد چرا درختی که به دسـتهای مبـارک حضـرتشان کاشـته شده، باید بخشـکد. پیشـنهاد من بر پایه فروش خانه و فراموش کردن داسـتان، تیمسار ایادی را ناخرسند و پریشان کرد. با دسـتپاچگی از من خواست هر چه زودتر برای زنده کردن درخت نیمه مرده کاری بکنم. داسـتان را با کارشناسان کشاورزی در اسـرائیل در میان نهادم. آنها پیش از همه چیز از اینکه ژاپنیها نتوانسـته انـد بیماری درخت را دریابنـد، شـگفت زده شـده بودنـد. روزی همراه عزرا دانین و دو تن از کارشناسان وزارت کشاورزی برای بازدید درخت به شیراز رفتیم. آنها پس از بازبینیهای نخستین دریافتنـد که ریشه های درخت در زیر زمین جایی به رگه های گچ، سـنگ یا نمک برخورده و ریشه ها فرسوده شده اند. گرداگرد درخت را به آرامی شکافتند، گمانشان درست از کار درآمد. رگه های سنگ و گچ را چند متر کندند و با خاک شایسته پر کردند. چیزی نگذشت که درخت بهاءالله جانی تازه گرفت و شادی را به چشمان ایادی و دوستانش بازگرداند. نه تن از سران کمیته رهبری بهائیان در ایران مرا برای مراسم زیارت درخت به شـیراز فراخواندنـد. از خرسـندی چنان می نمود که گویی خداونـد دنیا را به آنان ارمغان داشـته است!! درباره مئیر عزری: «شـیمعون پرس» یا همان شـیمون پرز، دو بار در اسـرائیل به نخست وزیری رسید. او یکی از عوامل اصـلی و محوری کشـتار مسلمانان فلسطینی بویژه در فاجعه اردوگاههای «صبرا» و «شتیلا» می باشد. او در معرفی «مئیر عزری» – اولین سـفیر اسـرائیل در ایران (۱۳۵۲ – ۱۳۳۷) – می گویـد: از سالهـای بسـیار دور، شایـد هم از نسـل پیش به این سو، آقای مئیر عزری یکی از سـران یهودیان ایران و سـفیر بی سـیلیندر و فراگ اسرائیل در ایران بوده که برای همگان چهره ای شناخته شده است. دشوار بتوان میان ما اسـرائیلیها کسی را یافت که مانند وی از پیچ و خمهای تاریخ و سیاست ایران آگاه باشد... مئیر هم زبان ایرانیان را خوب می دانـد، هم بـا فرهنـگ آنـان به خوبی آشـناست. آنچه ما در آینه می بینیم او در خشت خام می بینـد. او با منش و بینش ویژه خـویش این هنر دارد که گروههـای گونـاگون را از رده هـای رنگارنـگ گرد خـود بیـاورد، چون اسـتادی روان شـناس ریشـه یکایکشان را دریابـد تا شاهکاری بی همتا بیافرینـد. [۱] . «مئیر عزری» – اولیـن سـفیر اسـرائیل در ایران (۱۳۵۲ – ۱۳۳۷) بود. او در یادداشـتهایش بعـد از معرفی فرقه بهائیت در مورد افرادی که به این فرقه تعلق داشـتند می نویسـد: یکی از یهودیانی که با گرایش به بهـائیت به آب و نانی رسـید و نامی برای خود ساخت، ثابت پاسال همـدانی بود که در کشاکش جنگ جهانی دوم راننـده ساده ای بیش نبـود و تـوانست در دوره کوتـاهی یکی از تـوانگران کشـور گردد.... هویـدا و برخی از سـران لشـکری و کشوری در دولت به

کیش بهائی پیوسته اند.... یکی دیگر از سرشناسان کیش بهائی، سرلشکر دکتر ایادی، پزشک ویژه شاه بود.... سرلشکر ایادی از من خواست، از میان بردن دشواریهای دریافت روادیدهای همگانی نه روزه برای بهائیان را بررسی کنم (یک ویزا برای نود تن دیدار کننده).... در سایه دوستی با ایادی، با گروهی از سرشناسان کشور آشنا شدم که هرگز باور نمی کردم پیرو کیش بهایی باشند. بسیاری از آنها در باور خود چون سنگ خارا بودند، ولی به خوبی می توانستند در برابر دیگران باور خود را پنهان نمایند. آنها همه دریافته بودند که در برابر من نیازی به پنهان کاری ندارند.... «مئیر عزری» که نام کامل او «ربی مئیر عزری» است در دوم مارس ۱۹۲۳ (۱۱ اسفند ۱۳۰۲ ش) از «صیون» و «خانم حنا» در محله یهودیان شهر اصفهان، به دنیا آمد. پدرش از نخستین شاگردان مدرسه «آلیانس» بود، که توسط یهودیان فرانسوی، در اصفهان برپا شده بود. او هنگام تولد مئیر، کارمند اداره مالیه (دارایی) اصفهان بود. صیون عزریصیون که تربیت شده دستگاههای اطلاعاتی انگلستان بود، به مقتضای ماموریت پس از چندی اداره مالیه را رها کرد و معلمی فرزندان فرمانده بریگارد قزاق در اصفهان را بر عهده گرفت و پس از چندی هم به دانشکده افسری رفت و درجه سلطانی (سروانی) گرفت و به همکاری با فرانسویان در ژاندارمری پرداخت. او زمانی هم مترجم «آرمیتاژ اسمیت» (نماینده انگلستان در وزارت اقتصاد) شد. او که از زمان حضور آرمیتاژ در میان بختیاریها در خصوص مسئله نفت با وی دوستی کرده بود، مصطفی فاتح، همکلاس و همکار دیرینش را به انگلیسیها معرفی کرد. مئیر عزری در این باره می نویسد: پدرم، شادروان فاتح را با سر سیدنی (آرمیتاژ) و مستر فلی آشنا کرده بود و این آشنائیها در داد و ستدهای نفتی میان ایران و اسرائیل، سرانجام سودمند افتاد. [۲] . پدر مئیر عزری که چون دیگر هم کیشان خود، در کار عتیقه جات و خروج آن از کشور فعالیت داشت و از این رهگذر سرمایه ای نیز به هم زده بود، پس از پایان ماموریتهایش در اصفهان و هم زمان با خاتمه جنگ دوم جهانی به تهران آمد و پس از چندی درحدود ۹ – ۱۳۲۸، به سرزمین اشغالی فلسطین مهاجرت کرد و در آنجا ماندگار شد. مئیر عزری که در چنین خانواده ای پرورش یافته بود با تحصیل در دبیرستانهای آلیانس یهودی – فرانسوی و «ادب» انگلیسی در ۱۳۲۲ دیپلم گرفت و از همان زمان به ترغیب و تشویق یهودیان برای مهاجرت به سرزمین اشغالی فلسطین پرداخت. وی درخصوص انگیزه این فعالیتها می گوید: «رشته نیرومند صیون دوستی در اندرونم مانند هر یهودی دیگری از پیشینیانم آغازیده، در خانواده ام پرورش یافته و شیره جانم شده بود.» [۳] . مئیر عزری نیز پس از مهاجرت خانواده اش به اسرائیل، به آنها ملحق شد و چندی در فعالیتهای مختلف حزبی و غیر حزبی مشغول بود. با تثبیت قدرت حکومت پهلوی و جابه جائی آمریکا و انگلیس، به ایران بازگشت تا با بهره گیری از شناخت گسترده اش نسبت به فرهنگ و آداب و رسوم مردم ایران به ماموریتهای پنهانی خویش مشغول گردد. مئیر عزری از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۲ در ایران هر آنچه خواست کرد و پس از آن به اسرائیل بازگشت تا ضمن فعالیتهای متعددش در وزارت دارایی، مشاور ویژه مسائل نفتی با ایران باشد. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی یادداشتهای خود را از فعالیتهای دوران حضورش در ایران منتشر گرد و در طلیعه آن نوشت: ناچارم از گشودن پاره ای نکته ها چشم بپوشم، زیرا گمان می کنم زمان برخی فاش گوئیها هنوز فرا نرسیده است. دیگر اینکه برخی دستگاههای دولتی و دستگاههای امور امنیتی (اسرائیل) برتر می بینند بر پاره ای رویدادها، سرپوش نهند که به ناچار بخشهای ارزشمندی از این نوشته خود به خود ناگفته می ماند. [۴] . ربی مئیر عزری در بخش بیست و پنجم یادداشتهایش به موضوع «بهائی ها و اسرائیل» می پردازد. از آنجا که بهائیت یکی از متحدان اسرائیل شمرده می شود چنانکه روحیه ماکسول همسر شوقی افندی در دیدار با بن گوریون سرنوشت اسرائیل و بهائیت را همچون حلقه های یک زنجیر به هم پیوسته می شمرد باید به سخنان او با دقت بیشتری اندیشید. عزری با سرپوش نهادن به بسیاری از مسائل، ضمن جانبداری از بهائیت به برخی ارتباطات دوجانبه نیز اشاراتی دارد که جالب توجه است... مئیر عزری به خاطر همین خوش خدمتی ها بود که در پایان اقامت ۷۱ ساله اش در تهران، روز سه شنبه ۱۹ تیر ماه ۱۳۵۲ موفق به دریافت نشان درجه دوم تاج می شود. شاه به اسدالله علم وزر دربار خود دستور می دهد که تاریخ فرمان همراه نشان را به پیش از جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل تغییر دهد. پس از مئیر عزری، اوری لوبرانی مسئولیت

دفتر نمایندگی اسرائیل در تهران را عهده دار می شود... کتاب خاطرات مئیر عزری سفیر شانزده ساله اسرائیل در تهران با حجمی بالا در دو جلد، پنجاه فصل، ۷۱۰ صفحه، قطع رحلی و ۴۵۰ قطعه تصویر و سند در سال ۲۰۰۰ میلادی در بیت المقدس (اورشلیم) به زبان عبری منتشر شده است...

پاورقی

[۱] یادنامه مئیر عزری ص ۵ و ۶.

[۲] همان، ص ۱۹.

[۳] همان، ص ۱۵.

[۴] همان، ص ۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».